

دانایی و معرفت



دکتر هادی رستگار مقدم
پژوهشگر و مدرس

معرفت و شناخت یکی از موضوعاتی است که بشر همواره با آن مأنوس و همراه بوده است، هرچند خودش درباره آن هیچ آگاهی نداشته باشد. همه ما به نحوی و در جایگاه‌های مختلف، درگیر معرفت‌جویی و شناخت و آگاهی درباره مسائل مختلف هستیم. عنصر شناخت، آگاهی و معرفت، تفاوت میان انسان‌ها و حتی انسان و حیوان را رقم می‌زند.

از نظر قرآن کریم، داوری میان انسان‌ها بر همین راه و منوال خواهد بود، چنان‌که در آیه شریفه الهی آمده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/۵۶) که در تفسیر این آیه بیان شده است: «ای ليعرفون»، یعنی خداوند متعال فرموده است: «چن و انس را برای کسب معرفت خلق کرده‌ام، و معرفت

به‌خداي تعالی و آخرت، باید از طریق نبوت و رسالت باشد؛ والا عقل انسان‌ها به‌تنهایی توانایی کسب معرفت به‌خداي تعالی و آخرت و دیگر گزاره‌های دینی را نمی‌تواند داشته باشد، بنابراین بشر بدون ادراک وحی، توانایی کسب معرفت درباره بسیاری از قوانین حاکم بر جهان مادی را ندارد. چه رسد به جهان غیرمادی و عالم‌غیب. درمیان مجموعه سخنان امام صادق (ع) می‌توان به منابع کسب معرفت دست یافت که از آن جمله، وحی و عقل است.

وحی نوعی ارتباط است میان موجود زنده از ناحیه ماوراء الطبیعه. گاهی وحی به‌صورت خواب حاصل می‌شود و گاهی الفای هدایتی است از ناحیه خداي تعالی، مانند زنبور عسل و البته تنها وحی می‌تواند به‌عنوان یک منبع عظیم معرفتی معرفی شود، به این صورت که فرستاده الهی یعنی جبرئیل بر پیامبرش، پیام‌هایی را از ناحیه خداوند متعال ارسال کند. بنابراین وحی به این معنا، منشأ معرفت برای بشر است که در برابر این نوع معرفت، انکار قرار می‌گیرد، یعنی تا معرفت حاصل نشود، انکاری صورت نمی‌گیرد و به همین دلیل کسانی که به کتاب و آیات الهی اعتقاد داشتند، وقتی آن را انکار کردند، به آن‌ها وعده عذاب داده شد و آنان به کفر متهم می‌شوند، چنان‌که در قرآن کریم ذکر شده است: «يَعْرِفُونَ نِعْمَتًا... ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْفُرُهَا بِالْكَافِرُونَ» (از نعمت‌های الهی شناخت داشتند ولی بعد از کسب معرفت به آن‌ها، آن نعمت‌ها را انکار کردند که بسیاری از آن‌ها کافر بودند، (نحل/۸۲)

قرآن کریم که علم فرستاده الهی برای بشر بوده و از طریق جبرئیل بر پیامبر گرامی (ص) نازل شده است، مهم‌ترین و غنی‌ترین منبع معرفتی است که تمام معارف بشری، از آن می‌تواند سیراب شود.

امام صادق (ع) به این امر در پاسخ مردی که سؤال کرد: «چرا قرآن با وجودنشرو مطالعه بسیار، همواره با طراوت و نو و تازه است؟» اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «زیرا خداوند متعال، قرآن را برای یک زمان خاص و مردمی معین در زمان خاص قرار نداده است، بنابراین قرآن در هر زمانی تازه و باطراوت است و در نزد هر قوم و گروهی تا روز قیامت، جدید و باطراوت و شاداب خواهد بود.» (بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۵). اما عقل که بعد از وحی، مهم‌ترین منبع معرفت بشر است، به‌صورت یکی از ابزارهای نفس انسانی قرار داده شده است که اگر کارکردهای خاص خودش را به‌صورت درست انجام دهد، تعقل حاصل می‌شود، بدین‌سان است که آیات الهی گاهی نهیب می‌زند که چرا تعقل نمی‌کنید، یعنی چرا از چلقتان برای راه یافتن به صراط مستقیم بهره نمی‌برید.

بر همین اساس است که امام صادق (ع) زیربنای شخصیت انسان را عقل معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «دَعَاةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ وَالْعَقْلُ مِثْلُ الْفِطْنَةِ وَالْفَهْمِ وَالْحِفْظُ وَالْعِلْمُ وَالْعَقْلُ يَكْمُلُ وَهُوَ ذَلِيلُهُ وَمُضَاهَاةُ أُخْرُو فَإِذَا كَانَ تَأْيِيدُهُ عَقْلُهُ مِنَ الشُّرْكَانِ غَالِبًا حَافِظًا ذَا كِبَرًا فُطِنًا فَهَمًّا فَعَلِمَ بِذَلِكَ، (اصول کافی، ج یک، ص ۲۵)، پایه و اساس شخصیت آدمی، عقل است. منشأ و سرچشمه هوش و فهم و حافظه و علم و دانش، عقل است.

انسان از طریق عقل به کمال می‌رسد. عقل، راهنمای انسان و روشن‌کننده راه او و کلید امور انسان در این عالم است. در نتیجه وقتی عقل انسان از نور تأیید شود، یعنی مؤید به نور باشد، عالم خواهد شد و او خود حافظ، ذاکر و خودش هوش و فهم می‌شود نه اینکه باهوش و فهم است، بلکه خودش هوش و فهم می‌شود، پس از طریق این‌ها معرفت به‌دست می‌آورد، گاهی برخی شیطننت‌ها و سیاسی‌بازی‌های سیاست‌مداران غیر الهی را نباید کاری عاقلانه تلقی کرد، زیرا کار آنان شباهت به تعقل دارد، درحالی که عقل و تعقل مردان الهی، احکام و اوامر و قوانین الهی را کشف و در مسیر سعادت بشر در دنیا و آخرت معرفی می‌کند. بدین‌سان است که امام صادق (ع) در پاسخ فردی که از ماهیت عقل سؤال کرد و گفت عقل چیست، فرمودند: «مَا غَيْبٌ يَوْمَ الرِّخَاءِ وَ الْكُثْبِ يَوْمَ الْجَنَانِ قَالَ قُلْتُ فَأَلَذِي كَانَ فِي مُعَاوِيَةَ قَالَ تِلْكَ الْكُفْرَاءُ وَ تِلْكَ الشَّيْطَانَةُ وَ هِيَ شَبِيهَةٌ بِالْعَقْلِ وَ لَيْسَتْ بِعَقْلٍ، (المحاسن برقی، ج یک، ص ۱۹۵).

عقل چیزی است که خداي تعالی به‌واسطه آن عبادت می‌شود و بهشت به‌واسطه آن به‌دست می‌آید. در این موقع پرسش‌کننده دوباره سؤال کرد: «پس آنچه در معاویه هست، چیست؟» حضرت فرمودند: «آنچه معاویه دارد و از آن بهره می‌گیرد، شیطننت است که شبیه عقل است، درحالی که عقل نیست.» پس عقل که منزه از هر خطا باشد و به عبارت دیگر عقلی که تخیلات و تفکرات منحرف در آن دخالت نکند، تمام احکامش حجت است و چنین چیزی منبع عظیم معرفت بشری است که راهنمای خوبی خواهد بود، ولی درعین حال بی‌نیاز از انبیا و اولیای الهی و به‌طور کلی وحی، نخواهد بود.

بیرس و بدان

مسئله‌ای در باب مهریه

در این ستون به پرسش‌های شما در باره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید پرسش‌های خود را به شماره پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ یا ما در میان بگذارید.

یک قطعه زمین به‌عنوان مهریه به مادرم داده‌اند و ما به غصبی بودن این زمین شک داریم و قبل از ما صاحب مشخصی نداشته است. آیا می‌توانیم از این زمین استفاده کنیم یا آن را بفروشیم؟

پاسخ اجمالی

اگر به مورد مذکور یقین ندارید و استفاده از این زمین، منع قانونی ندارد، تصرف در آن اشکالی ندارد.

● آیت...العظمی خامنه‌ای

در صورتی که یقین به مورد مذکور نداشته باشید، استفاده اشکالی ندارد.

● آیت...العظمی مکارم شیرازی

در صورت شک، وظیفه‌ای ندارید و استفاده از آن مانعی ندارد.

● آیت...العظمی سیستانی

بله، با اجازه مادر می‌توانید.

● آیت...العظمی نوری همدانی

چنانچه مجهول المالك باشد، لازم است به حاکم شرع مراجعه شود.

● آیت... هادی تهرانی

اگر استفاده از این زمین، منع قانونی ندارد و دلیل شرعی بر غصبی بودن آن وجود ندارد، تصرف در آن اشکالی ندارد.

نگاهی به چگونگی رفتار با والدین براساس دعای ۲۴ صحیفه سجادیه

خدمت به پدر و مادر توفیقی الهی است

حمیده ذاکری| الکو گرفتن از اولیای خدا و بزرگان دین، کاری بس نیکوست. مگر جز این است که ما بندگان ضعیف پروردگار هر جا به مشکل می‌خوریم و در کارمان گرهی می‌افتد، به‌سراغ اولیای الهی می‌رویم و سعی می‌کنیم از روی دست آن‌ها نگاه کنیم و به نجات و صلاح برسیم؟ حال نکته این است: همان‌طور که امامان معصوم گفته‌اند، نیکوست پیش از اینکه بلایی نازل شود و دچار شدت و حدتی در زندگی شویم، به‌سراغ این اولیای الهی و سبک زندگی‌شان رفته، از آن‌ها درمورد زندگی بیاموزیم. یکی از عواملی که می‌تواند به ما در این امر کمک کند، مجموعه دعای صحیفه سجادیه، یادگار بارزش امام سجاد (ع) است. دعایی که امروز به‌سراغ آموزه‌های آن خواهیم رفت، دعای بیست و چهارم این مجموعه است. باشد که به کارمان بیاید!

به یاد پدر و مادر خود باشیم

مانند مادر، مهربان باشیم

در فراز پنجم این دعا، حضرت از خدای خواهند: «خدا یا! چنان کن که من از پدر و مادرم چنان بیم‌کنم که از پادشاه خودکامه، در تفسیر این عبارت آمده است ایشان از خدا می‌خواهند همان‌طور که ما در برابر کسی که مقام و جایگاه والایی دارد با احتیاط عمل می‌کنیم و مراقب رفتارهایمان هستیم، نیکوست که نزد والدین هم همین‌گونه باشیم و در برابرشان بی‌پروایی نکنیم، این امر موجب می‌شود در رفتارمان دقیق‌تر باشیم و احترام بیشتری برای آن‌ها قائل شویم. در ادامه این فراز، امام می‌فرمایند: «و به آن دوه‌مچون مادری بس مهربان و دلسوز، نیکی کن و فرمانبرداری از پدر و مادر و نیکی در حق ایشان را برای من از خواب در چشم خواب‌الودگان، شادی‌آورتر و از آب خنک در کام‌تشنگان، گوارتر ساز تا خواهش ایشان را بر خواهش خود ترجیح دهم و بر خرسندی آنان را بر خرسندی خود مقدم دارم.»

به والدین خود خدمت کنیم

همان‌طور که در ابتدا آمد، دعای ۲۴ صحیفه سجادیه با عنوان دعا در حق پدر و مادر، مکتوبی است که از آن می‌توان به‌جز چگونگی دعا کردن در حق والدین، درباره جایگاه والدین و اهمیت خانواده نیز آموخت. در فراز ابتدایی دعا، امام سجاد (ع) پس از درخواست کرامت و رحمت مخصوص برای والدین از سمت پروردگار، از خداوند می‌خواهند که «وظیفه‌ام را در برابر پدر و مادرم به من الهام کن و تمام دانش خدمتگزاری به آن دو را به من بیاموز...». بنا به گفته کارشناسان، این درخواست از خداوند برای شناخت وظیفه در برابر والدین و دانش خدمتگزاری به آن‌ها، نشان می‌دهد که انجام وظیفه در مقابل آن‌ها آسان نیست و نیازمند توجه از جانب پروردگار به ماست تا بتوانیم در این امر مهم، موفق عمل کنیم.

آیه ۱۵ سوره احقاف نیز به همین مضمون اشاره می‌فرماید: «پروردگار! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی، به‌جا آورم و عمل صالحی انجام دهم که از آن خشنود باشی!»

آن‌طور که بزرگان دین می‌گویند، نیکی به والدین و دعا برای ایشان، یکی از موضوعات مهم است. خداوند بعد از توحید و بندگی بر امر نیکی به والدین، تأکید و خدمت و دعا در حق آن‌ها را توصیه کرده است.

در قرآن کریم چند نمونه دعا در حق والدین داریم: «وَبُذِّلَ أَغْزَلَى وَلَوْلَا ذِي... يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»، پروردگار! روزی را که حساب برپا می‌شود، بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان بیخشای، (ابراهیم/سوره ۱۴، آیه ۴۱).

همچنین در سوره اسرا چنین آمده است: «وَاحْفَظْ لِهَمَّا جَنَاحَ الدَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا»، و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو پروردگار! آن دو را رحمت کن، چنان که مرا در خردی پروردند،

خوش رفتار باشیم

در قسمتی دیگر از این دعا، امام سجاد (ع) پس از توجه به تغییر نگرش ما درباره والدین، وارد حوزه رفتار می‌شوند و از خدا درباره نحوه سخن گفتن با والدین، طلب یاری می‌کنند و می‌فرمایند: «خداوند! صوت مرا در پیشگاه ایشان، پست گردان و سختم را خوشایندشان نمای و با ایشان نرم‌خوبی ام ده و دل من را بر ایشان مهربان ساز و چنان کن که با آنان به مدارا رفتار کنم و بر آنان مشفق باشم!، امام سجاد (ع) در این دعا به ما گوشزد کرده‌اند که همواره به یاد والدین باشیم، آنجا که می‌فرمایند: «پس از هر نماز من و در هر وقت دیگر از اوقات شب و در هر ساعت از ساعات روز، پدر و مادرم را از یاد من مبرا، عشق به والدین به این دنیا ختم نمی‌شود، حضرت از خداوند می‌خواهند که حتی در قیامت نیز با والدین خود باشند و از این روی می‌فرمایند: «خداوند! آن دو را شفیع من گردان، اگر پیش از من آمرزیده‌ای و مرا شفیع ایشان گردان، اگر پیش از ایشان آمرزیده‌ای تا من و پدرم و مادرم در سایه لطف و رأفت تو، در سرای کرامت و جایگاه مغفرت و رحمت تو، همنشین هم گردیم که تو را بخشایش بزرگ است.»

خوبی‌ها را جبران کنیم

امام زین العابدین (ع) از خداوند می‌خواهند به ما یاری کند تا نیکی والدین را در حق خودمان بسیار ببینیم، هرچند اندک باشد و نیکی خود را در حق آنان اندک ببینیم، اگرچه بسیار باشد.

این بیان ظریف، یک راهنمای خوب درباره موقعیت در روابط خانوادگی هم می‌تواند باشد. زمانی که ما خوبی افراد را در حق خودمان هرچند اندک، بسیار می‌بینیم و کارهایی را که خودمان برای آن‌ها انجام می‌دهیم، چندان بزرگ نمی‌بینیم، توقع ما از آن‌ها کمتر می‌شود و در عوض می‌دانیم که همواره بدهکار آن‌ها هستیم. این حس، ما را در خدمت کردن به آن‌ها مصرتر می‌کند تا بتوانیم اندکی از آنچه در حق ما انجام داده‌اند، جبران کنیم.

باگذشت باشیم

طبیعی است که در یک رابطه تنگاتنگ مانند رابطه والد و فرزند، اتفاقات اجتناب‌ناپذیر بسیاری بیفتد و گاه ما ناخواسته یکدیگر را برنجانیم یا در حق هم دانسته اشتباهی کنیم که سپس از آن پشیمان شویم. حضرت سجاد (ع) در این باره هم ایده راهگشایی دارند و چنین از خدا درخواست می‌کنند: «بارخدا یا! هر آزار که از من به آن دورسیده و هر ناپسندی که از من در حق آن دو سر زده است و هر حقی از آن دو که من ضایع کرده‌ام، همه را سبب کاستن از گناهان‌شان و علو درجات‌شان و افزونی حسنات‌شان قرار ده! ای خداوندی که سیئات را به چند برابر حسنات بدل می‌فرمایی!، و سپس می‌فرمایند: «خداوند! هر تعدی که در گفتار و هر تجاوز که در رفتار بر من روا داشته‌اند و هر حقی که از من تباه کرده‌اند و هر قصور که در وظایف خود در برابر من ورزیده‌اند، همه را به ایشان بخشیدم و به احسان ارزانی داشتم. از تو خواهم که بار عواقب آن را از دوش آن دو برداری که مرا به آن دوا دعایی نیست و نمی‌گویم که در نیکی و مهربانی با من، دست‌خوش مسامحه شده‌اند و از آنچه بر من روا داشته‌اند، ملول نیستم ای پروردگار من!»